

سرمقاله

انتظارات از کابینه وحدت ملی

محمد رضا هویدا

اعضای کابینه وحدت ملی که از پارلمان رای اعتماد گرفته بودند، به کار آغاز کردند. بدین ترتیب بخشی از حکومت که عملا در تعطیلی به سر می برد، فعال شده است. وزارت خانه هایی که به خاطر نبود عالی ترین مقام وزارت، یعنی وزیر و اداره شدن توسط سرپرست وزارت، برای چندین ماه در نوعی تعطیلی اجباری به سر می بردند، با شروع به کار وزرا جنب و جوشی تازه یافته اند. وزرا از طرح ها و ایده های جدیدی سخن می گویند و وعده ها و وعده‌هایی می دهند که برای به حرکت در آوردن وزارت شاید لازم باشد و قسمتی هم حرف ها و شعارهایی است که در گذشته تجربه ثابت ساخته که هیچ گاهی به واقعیت نمی پیوندد.

ولی اگر همه کسانی که برنامه های خود را در پارلمان مطرح کردند به همان برنامه ها و اهداف برسند و حد اقل تلاش کنند که برسند، مطمئنا تغییرات گسترده ای را در این وزارت خانه ها شاهد خواهیم بود.

هنوز هم بخشی از حکومت و وزارت خانه ها عملا فعال نیستند، معین هایی که سرپرست هستند، نمی توانند همانند یک وزیر اداره امور وزارت خانه ها را به پیش ببرند.

مقامات عالی رتبه دولت وحدت ملی اعلام کرده اند که به زودی اعضای باقی مانده کابینه نیز به پارلمان معرفی می شوند، در این صورت اگر در روزهای نزدیک این امر تحقق یابد، و قضیه به بعد از رخصتی های زمستانی وکلا محول نشود، تحولی دیگر در بحران به وجود آمده در انتخابات و کار حکومت ملی به وجود خواهد آمد.

وزارت خانه هایی که در راس خود وزیر دارند، اکنون می توانند به راحتی به دنبال برنامه های اعلام شده خود باشند.

بخشی از برنامه هایی که در صحن پارلمان توسط وزرا بیان شد، نیازمندی های مردم افغانستان هستند که باید به صورت عاجل به آنها رسیدگی شود.

برنامه های مورد نیاز کشور و مردم، که توسط این وزرا بیان شده، با توجه به اینکه وقت زیادی از عمر حکومت وحدت ملی در نبود وزرا گذشته است، کار جدی تر و بیشتری را می خواهد. و بهتر است که وزرا نیز به جای آنکه هفته ها وقت خود را صرف خوشامد گویی از مهمانان و پذیرایی از کسانی که برای تبریک گویی می آیند، بگذرانند، به تطبیق برنامه ها و اهداف شان مصروف شوند.

پارلمان به عنوان رکنی تاثیر گذار در دولت، باید به خاطر داشته باشد که وزرا چه برنامه هایی داشته اند و کلا به چه برنامه هایی رای داده اند.

در این صورت پارلمان باید به عنوان نهادهی که نظارت حق قانونی اش است، از برنامه و کارهای حکومت و وزارت خانه ها نظارت نماید.

در سالهای گذشته هم دولت قابلیت های لازم را برای خروج از وضعیت کنونی اقتصادی و سیاسی نداشته است و هم پارلمان نه تنها در نظارت بر حکومت قوی نبوده بلکه در بعضی مواقع خود جزئی از مشکل به حساب می آمده است.

پارلمان قوی و قدرتمند که به وظایف خود عمل کند و بر نظارت بر اعمال قوه مجریه دقیق باشد حکومت قوی و قدرتمند را نیز در پی دارد.

اما زمانی که پارلمان و وکلا خود نتوانند به وظایف اصلی شان عمل نمایند امیدواری به اینکه پارلمان بتواند تغییرات اساسی در رفتار و عملکرد حکومت را به وجود بیاورد نادرست است.

در صورتی که پارلمان برای مدتها نتواند نصاب حضری خود را تکمیل کند و تصویب قوانین به حال خود باقی بماند دور از انتظار است که بتواند به صورت درست بر اعمال و رفتار حکومت نظارت دقیق داشته باشد.

پارلمان و قوه اجراییه می توانند در کنار هم و با همکاری با یکدیگر دولت وحدت ملی را به صورت واقعی نمادی از وحدت و کار و تلاش برای بهبودی اوضاع کشور و رشد و ترقی بسازند.

محمد اشرف غنی، رئیس جمهوری کشور بخش تدارکات وزارت دفاع ملی را به حالت تعلیق در آورده است و کارمندان آن را ممنوع الخروج اعلان نموده است. سخنگوی رئیس جمهوری، این اقدام رئیس جمهور را مبارزه با فساد و شفاف سازی قرار داد های این وزارت دانسته است.

رئیس جمهور در کنفرانس لندن گفته بود که تلاش می کند تا تدارکات نیرو های امنیتی را از داخل کشور فراهم کند. گفته می شود که بودجه نهاد های امنیتی سالانه بیش از چهار میلیارد دالر می باشد. این نهاد ها با این بودجه هنگفت زمینه های فساد گسترده را نیز فراهم می کند. گفته می شود که در بخش قرار داد دو وزارت دفاع ملی و وزارت امور داخله بیشترین فساد وجود دارد. اما در بیش از سیصد سال هیچ گاه توجه نخبگان سیاسی در رأس قدرت و دستگاه قضایی را به خود جلب نکرده است. برای اولین بار است که اشرف غنی انگشت روی کار های بخش تدارکات وزارت دفاع ملی گذاشته است. امیدوارم که به زودترین فرصت معینیت تدارکات وزارت امور داخله و بخش قراردادی های این وزارت را نیز زیر نظر بگیرد و کارکرد های این وزارت را مورد بررسی قرار دهد.

از آنجایی که بخش امنیتی بیشترین بودجه را به مصرف می رساند لازم است که توجه جدی و نظارت دقیقی روی نهاد

های امنیتی صورت گیرد. جدا از نهاد های امنیتی: رئیس جمهور نیازمند توجه جدی به دستگاه قضایی می باشد. زیرا، کارویزه دستگاه قضایی پیگیری انحرافات و کجروی های شهروندان در نظام اجتماعی، سیاسی و تقنینی است. دستگاه قضایی باید پیشگام مبارزه با فساد باشد. در صورت که دستگاه قضایی خود گرفتار فساد باشد امکان مبارزه با فساد ممکن نیست. نه تنها مبارزه با فساد ممکن نیست بلکه به خاطر آلودگی دستگاه قضایی مبارزه با فساد پیچیده می شود.

دستگاه قضایی اما، ضربه سنگین بر بدنه دولت مشروعیت آن نیز وارد نموده است. بنا بر گزارش نیویورک تایمز، در جنوب کشور شهروندان کشور به خاطر فساد گسترده در دستگاه قضایی حکومت و اختلافات خود را در محکمه های گروه طالبان حل و فصل می کنند. این مسئله هم مشروعیت حکومت را زیر سوال می برد و هم حاکمیت دولت را اما و اگر های زیادی مواجه می سازد. بنابراین، در عین حال که رئیس جمهور به پدیده فساد در نهاد های اجرایی می پردازند لازم است که توجه اساسی به دستگاه قضایی نیز بکنند. ادامه فساد در دستگاه قضایی و مراجعه مردم به محاکم طالبان هم محبوبیت گروه طالبان را میان مردم افزایش می دهد و هم ضربه مهلک بر دولت وارد می کند. محبوبیت گروه طالبان در میان مردم به خاطر

خدمات قضایی منجر به دشواری مبارزه با این گروه می گردد. زیرا، محبوبیت آن ها در نزد مردم منجر به آن می گردد که خانه های مردم پناهگاه این گروه باشد. در آن صورت، نه تنها که مبارزه سخت و دشوار می گردد بلکه حضور نیرو های امنیتی در مناطق جنوب سخت و دشوار می نماید. لذا، قبل از همه و اولویت اساسی حکومت در مبارزه با فساد اداری دستگاه قضایی است.

گسترش فساد در نهاد های مختلف به خاطر معافیت است. ممکن افراد مفسد از نهاد های مختلف دستگیر گردد ولی در کمترین زمان از طریق دستگاه قضایی می تواند خود را رها سازد. زیرا، در دستگاه قضایی امکان هر نوع معامله و فساد وجود دارد. به سادگی می توان با پرداخت پول و رشوه در دستگاه قضایی یک قضیه را به نفع خود جهت دهی کرد. برای همین، درم مبارزه با فساد باید اولویت به دستگاه قضایی داده شود.

فساد گسترده در حکومت هزینه های زیادی را برای مردم و دولت در پی داشته است. باری در کنفرانس توکیو که در دوران ریاست جمهوری حامد کرزی برگزار شده بود، جامعه جهانی کمک های خود را منوط به مبارزه حکومت افغانستان با فساد نمودند. بعد از کنفرانس توکیو نیز، جامعه جهانی بار ها سخن از مبارزه با فساد اداری زده است. اما تا هنوز، اقدامات جدی از طرف حکومت روی دست

هویت تاریخی قزاقستان:

چرا سالگرد خانات جشن گرفته می شود؟

کلمات، به خصوص نام‌ها می‌توانند قدرت زیادی داشته باشند. روزنامه آستانه تایمز قسمی که از عنوان خود پیداست در آستانه پایتخت جمهوری قزاقستان تدوین، چاپ و نشر می‌شود. طوری که بسیاری از خوانندگان می‌دانند، نام این شهر در زبان قزاقی به معنی «پایتخت» است. این نام از سوی نورسلطان نظربایف، رئیس جمهور قزاقستان پیشنهاد شد و اکنون به یک اسم ماندگاری تبدیل شده که بطور گسستگی ناپذیر یا جمهوری قزاقستان کره خورده است. اما اکنون بحث بر سر نام کشور (جمهوری قزاقستان) است. سال گذشته در مورد پیشنهاد رئیس جمهور در مورد تغییر نام کشور به «قزاق‌بلی» بحث و گفتگوهای زیادی صورت گرفت. در واقع، این نام از همین اکنون بر بنای بزرگ میدان استقلال در آستانه نقش بسته است. قزاق‌بلی در واقع به معنی سرزمین قزاق‌ها و یا «قزاق‌لند» است. دقیقا همانند آلمان (دولچلند)، پولند، فنلند، و تایلند که نشاندهنده جمعیت غالب ساکن در هر کشور است. قزاقستان نیز دقیقا همان معنای قزاق‌بلی را دارد، اما پسوند «ستان» به زبان فارسی (به معنی زمین) است. حالا سوال اینست که این نام کشور مستعد برای ۲۳ سال گذشته عضو سازمان ملل متحد بوده است، از کجا گرفته شده است؟

کتاب‌های درسی تاریخ به ما می‌گوید که قدمت اولین استفاده از کلمه «قزاق» به اواخر قرن سیزدهم می‌رسد.

ظاهرا این کلمه دارای منشأ ترکی و به معنی «مرد آزاد» است، یعنی کسی که با در پیش گرفتن زندگی ماجراجویانه، قبیله یا طایفه خود را ترک کرده است. بسیاری از محققان بر این باورند که کلمه روسی «کازاک» که به معنی قزاق می‌باشد نیز به احتمال زیاد از همان کلمه ترکی نشأت گرفته است. در سال ۱۴۵۹ چندین قبیله با اطاعت از سلطان کمری (Kerey) و ژانیبیک (Zhanibek) از خان ابوالغیر شیبانی، حاکم قدرتمند عشایر ازبک متحد نموده و از سرزمین مادری خود به دره‌های رودخانه شو و تالاس مهاجرت کردند. این قبایل به نام «قزاق» با معنای تحقیر آمیز «غیر خودی» نامیده می‌شدند. در دهه‌های ۱۴۶۰ و ۱۴۷۰، اتحاد قبایل به رهبری قبیله‌های کمری (Kerey) و ژانیبیک (Zhanibek) از لحاظ کثرت و قدرت به سرعت رشد کردند و به تدریج کلمه قزاق به معنی مردمی که تبدیل به یک نیروی جدید تبدیل شده بود و سرانجام نام کشوری که از این مردم ظهور کرد، اطلاق گردید.

تحقیقات انجام شده توسط میرزا محمد حیدر دولات تحت عنوان تاریخ رشیدی که در سال‌های ۱۵۴۱ الی ۱۵۴۶ نوشته شده و منبع مهمی در مورد تاریخ قدیم خانات قزاق به شمار می‌رود، کشور جدید را «مردولت قزاقستان» نامیده است. در اواخر قرن ۱۵ و دهه اول قرن ۱۶، وارثان ابوالغیر خان شیبانی یا ازبک‌ها – آن طوری که اطلاق می‌شدند – مشروعیت اجرای تصمیمات محکمه‌ها دارای مشکلات بسیاری بود و اغلب بر اساس پذیرش داوطلبانه مجازات بود زیرا زندان وجود نداشت و در عین حال محل امن برای فرار نیز نبود. همچنان یک ارتش دائمی وجود نداشت. واقعیت این است که در صورت بروز بحران و یا جنگ، رهبران مشکل زیادی در فراهم سازی نیروی جنگی نداشتند.

این عوامل به طور طبیعی از جمله نقاط ضعف تاریخی بود که در نهایت به از بین رفتن حاکمیت‌های عشایری در طول قرن ۱۷ و ۱۹ منجر گردید. جمعیت و ساکنان غیر عشایری پیشرفته تر و قدرتمند تر بودند. اما با وجود همه این عوامل، قلمروهای حکومتی عشایری به مثابه حکومت به شمار می‌رفتند.

اما در مورد قزاق‌ها، در سال‌های میان ۱۴۶۵ و ۱۸۲۲ جمعیتی از قزاق‌ها بودند که حاکمان شان عنوان «خان» را بر خود داشتند. آنها فرزندان قدرتمند ترین فاتح تاریخ، چنگیز خان شناخته می‌شدند که مشروعیت حکومت کردن را داشتند. این تاریخ نشان می‌دهد که «مردم قزاق» دارای حکومت بوده‌اند.

امروزه اکثر اعضای سازمان ملل متحد دولت-ملت‌ها هستند. موضوع «ملت» پیچیده تر و ظریف تر از «دولت» است. در آینده این موضوع همچنان به احتمال زیاد موضوع داغ محافل علمی خواهد بود و متاسفانه همچنان مورد بهره گیری سیاسی واقع خواهد شد. قزاقستان، همانند اغلب نهادهای سیاسی دیگر در جهان، خود را به مثابه یک ملت-دولت

گرفته نشده است. در آغاز روی کار آمدن حکومت وحدت ملی اقدامات اشرف غنی رئیس جمهور در قبال قضیه کابل بانگ خوشبینی های را به وجود آورده بود ولی به زودی این خوشبینی ها به پاس تبدیل شد. قضیه کابل بانگ دوباره به یاد فراموشی سپرده شد. با همه این ها، اشرف غنی ملزم است که با پدیده فساد به صورت جدی مبارزه نماید. زیرا، کمک های جامعه جهانی کم می شود. افغانستان برای راهی از وابستگی نیازمند برداشتن موانع سرمایه گذاری است. گفته می شود که فساد یکی از عوامل است که منجر به کاهش سرمایه گذاری در افغانستان شده است. بازگرداندن سرمایه فرار شده و یا جلب سرمایه گذاران خارجی در افغانستان نیازمند آن است تا فساد ریشه کن گردد و برای سرمایه گذاری لازم نباشد که سرمایه گذاران رشوه بپردازد.

به اقتصاد تولیدی نیازمند ریشه کن نمودن فساد است. از اقتصاد تولیدی شکل نگیرد امکان افزایش درآمد دولت نیز ممکن نگردد. بنابراین، در چند سال آینده امکان آن وجود دارد که حکومت با بدهی های کلان مواجه گردد. در صورت در آنگون با پدیده فساد برخورد قاطع صورت گیرد و از این طریق بتواند توجه داخلی و خارجی در باب سرمایه گذاری در افغانستان را جلب کند، امکان عبور از گردنه سخت و دشوار کنونی امکان پذیر خواهد شد.

می‌داند. مقدمه قانون اساسی قزاقستان با این بیانیه آغاز می‌شود: «ما، مردم قزاقستان، با اتحاد و همبستگی بر محور سرنوشت تاریخی مشترک مان، دولت‌مان را بر روی زمین قزاقستان بنیان می‌گذاریم.» بنابراین ملت قزاقستان مشتمل گل جمعیت این سرزمین می‌گردد که در تجارب تاریخی زندگی در این قلمرو که سرانجام منجر به اتحاد و همبستگی مردم قزاقستان گردید، سهمیه اند. این اشاره واضحی به پویان قزاقستان و ارتباط آن با دولت مدرن این کشور و سلف آن، خانات قزاق است.

به باور ارنست گلتر، تعریف ناسیونالیسم «عمدتا یک اصل سیاسی است که واحد سیاسی و ملی باید متناسب با آن باشد.» گلتر در این نظریه خود بر تعریف مکتب ویر، جامعه شناس آلمانی از دولت، یعنی «واحد سیاسی» متکی بود و دولت را «نهادی با اختصار خشونت مشروع در یک قلمرو مشخص» می‌دانست. بنابراین، یک اگر جمهوری قزاقستان یک واحد سیاسی باشد، پس واحد ملی آن کدام است؟ واضح است که واحد ملی اولیه که طرح قزاقستان امروزی را ریخت، قزاق‌ها بودند.

یک استدلال – با آنکه این استدلال خیلی عام و همه پذیر نیست – اینست که واحد سیاسی قزاقستان با واحد ملی آن سازگار نیست. بر اساس این استدلال ادعا می‌شود که مرزهای معاصر قزاقستان ساختگی اند و توسط بلشویک‌ها کشیده شد، در حالی که ملت قزاق بطور مصنوعی طرح ریزی شده و زاده تحیل استالین و سیاست‌های علمی او بود. اما شواهد مستدلی برای حمایت از این دیدگاه وجود ندارد.

البته درست است که مرزها و حدود جغرافیایی بسیاری از کشورهای مدرن در آسیا و آفریقا در قرن ۱۹ بطور هدفمند و بر اساس تجربه ملت سازی اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها ترسیم شدند. اما واقعیت اینست که یک ملت بدون موجودیت متشنا قومی – پیوندی میان افراد یک جامعه که برای نسل‌های متواتر در قلمرو خاص ساکن بوده باشند و به سرزمین خود تعلق خاطر داشته باشند – به ندرت می‌تواند بصورت پایدار به حیات خود ادامه دهد. در غیر این صورت، تلاش برای ایجاد یک دولت-ملت به احتمال زیاد محظوم به چیزی خواهد بود.

این پیوند سیاسی است که در تعریف ملت نوین قزاقستان کسک می‌کند. این منعکس کننده پیوند تاریخی و پویای مردم قزاقستان با میراث تاریخی شان است. رمز کشور مستقل قزاقستان با این نام عمده‌تر در دهه ۱۹۲۰ زمانی که قزاقستان خودمختار جمهوری سوسیالیستی شوروی ایجاد شد، شکل گرفت. مرزهای قزاقستان ممکن است در مسکو ترسیم شده باشد، اما تصامیم آن بعد از گفتگوها و مذاکرات طولانی که شامل نمایندگان کمونیست محلی نیز می‌شد، اتخاذ می‌گردید. در این روند همچنان اعضای سابق جنبش ملی گرای الاش اوردا (Alash Orda) که در سال‌های ۱۹۱۷-۱۹۱۹ برای استقلال ارضی

روزنامه‌افغانان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می‌نمایند. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگذایده نمی‌شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سه مقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانان میباشد.

روزنامه افغانان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

برای مبارزه با فساد اما، اراده و تعهد لازم می‌طلبد. مبارزه با فساد به نوعی در خطر قرار دادن جان و مال خود نیز هست. زیرا، سیاست و اقتصاد افغانستان به دست مافیای قرار دهد. مافیای بدون شک، از فساد سود می‌برد. ریشه کن سازی فساد ضربه به مافیاهای اقتصادی است. برای همین، آن‌ها نیز اقدامات را به عنوان واکنش به ریشه نهادن حکومت روی دست خواهد گرفت. برای همین، رئیس جمهور باید اراده قاطع در مبارزه با فساد داشته باشد. در کنار اراده قاطع رئیس جمهور، پاک سازی ارگ ریاست جمهوری از مفسدان نیز مهم است. زیرا، اطلاعات از طریق مفسدان درون ارگ ممکن فلتر شود و بعد از آن به رئیس جمهور برسد. بنا به گزارش ها، در دوره ریاست جمهوری کرزی، منبع و ریشه فساد در ارگ ریاست جمهوری بود. فساد در ادارات مختلف از ارگ و اداره امور آب می‌خورد.

بنابراین، رئیس جمهور در مبارزه با فساد اول از اطرفیان خود شروع کند. نگذار که فساد در ارگ ریاست جمهوری راه پیدا کند. دوم: دستگاه قضایی نسبت به دستگاه های اجرایی اولویت دارد. رئیس جمهور در مبارزه با فساد باید از دستگاه قضایی شروع کند. سوم: هیچ بادی نباید اراده رئیس جمهور در مبارزه با فساد را تسکان دهد. استواری و قاطعیت رئیس جمهور می‌تواند افغانستان را از گردنه های سخت و دشوار فرارو عبور دهد.

احمدی

قزاق‌ها در تحت نظام جدید دموکراتیک روسیه تلاش می‌کردند، نیز شامل بودند. طرح‌هایی که در مورد تعیین مرزها ارایه شدند، بر اساس اطلاعات کامل مرتبط جمعیتی و احصائیوی آن زمان بود، از جمله سرشماری جمعیت امپراتوری روسیه در ۱۸۹۷. بر اساس شدند، بر اساس این سرشماری، گردانگان زبان فرغیز-قزاق – زبان قزاقی‌ها – در آن زمان به بیش از ۴ میلیون نفر می‌رسید قزاقستان معاصر را در سر می‌گرفت. بنابراین یکی از دلایل توسعه سیاسی توام با ثبات قزاقستان باید به این تجانس و سازگاری میان واحد ملی و سیاسی که در اوایل دهه ۱۹۲۰ توسط شوروی طرح شد، مربوط باشد.

اما در قرن بیستم، قزاقستان به یک جامعه چند فرهنگی و چند قومی تبدیل شده که امروز شاهد آن هستیم. تغییرات عمده در ساختار جمعیتی این کشور ناشی از موج‌هایی مهاجرت بود که عمدتا با انگیزه‌های داوطلبانه و یا اقتصادی از اسلاویا (روس‌ها، اوکراینی‌ها، بلاروسی‌ها) و بعضی گروه‌های ترک (تاتارها، اوغوزها، ازبک‌ها) و همچنین طرح‌های اسکان اجباری آلمانی‌ها، لهستانی‌ها، کوربایی‌ها، چینی‌ها، و دیگر مردم قفقاز دوران استالین بود.

بحث خوب قزاقستان این بوده که با وجود این همه تغییرات چشمگیر جمعیتی، همه این گروه‌های مختلف در همزیستی با یکدیگر زیسته اند. این کشور هیچگونه بحران عمده‌ای در امتداد خطوط قومی یا مذهبی تجربه نکرده است. علاوه بر این، دشواری‌های اشتراکی سازی اجباری – که بخشی که از برنامه‌های عمده جنگی اتحاد جماهیر شوروی علیه آلمان نازی بود – بازسازی پس از جنگ و پس از آن تجزیه اتحاد جماهیر شوروی و تجربه دشوار سازگاری با اقتصاد بازار آزاد که در پی سقوط شوروی اعمال شد، مردم اقوام مختلف در قزاقستان را به هم نزدیک تر کرد و هم‌دیگرپذیری و نیاز به درک متقابل و همبستگی را میان آنها تقویت کرد. همه این چالش‌های متعدد کمک کرد تا همه آنها در یک گروه واحد «مردم قزاقستان» مدغم گردند. اینکه این ملت را در سازگاری با اصطلاح بین‌المللی آن «ملت قزاق» بنامیم، دارای اهمیت ثانویه است.

پس چرا اصولا سالگرد خانات قزاق را جشن می‌گیریم؟ به دلایلی که گفته شد، در سراسر جهان، مردم سالگرد مربوط به یک رویداد مهم در گذشته را جشن می‌گیرند و تجلیل می‌کنند. این مناسبت، فرصتی است تا گذشته‌های تاریخی‌مان را دوباره به خود یادآوری کنیم؛ روند شکل گیری فرهنگ خود را مرور کرده و اینکه امروز کی هستیم را بصورت بهتر درک کنیم. تجلیل از ۵۵۰ سالگرد خانات قزاق در اتحاد و همکاری بیشتر میان ملت قزاق که به عنوان «مردم قزاقستان» زندگی در سرزمین ملت قزاق را برگزیدند کمک خواهد کرد و پیوندهای مان را با این سرزمین بیش از پیش تقویت خواهد کرد.

- صاحب امتیاز: داکتر حسین یاسا
- مدیر مسؤول: محمد رضا هویدا
- سردبیر: حفیظ الله زکی
- کاریکاتوربوست: خالق علی زاده

- دبیران: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی
- مسئول وب سایت: محمد علی یورامی

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

افغانستان
The Daily Afghanistan
روزنامه
Outlook
AFGHANISTAN
The Leading English Language Newspaper